

## قصه

# یک گیاه دوست داشتنی!

یکی بود، یکی نبود، بی حوصله بود، ماما مهریونش یه پیشنهاد خوب داد. پیشنهاد کاشتن چند تخم گیاه، توی یه گلدون کوچیک و ظریف. گیاه و گلدونی که از این به بعد، برای خود امیرعلی باشه و امیرعلی ازش مراقبت کنه تا سبز و بزرگ و زیبا بشه. امیرعلی، خوشحال و ذوق زده شد و دست به کار شدند. اون روز و یکی دو هفته بعدش، به انتظار و آب دادن خاک گیاه و قرار دادن گلدون در مقابل نور خورشید گذشت. یه روز صبح، وقتی امیرعلی از خواب بیدار شد، چشمش به جوانه‌های ریز و سبز گلدون افتاد و از شادی جیغ کشید. امیرعلی، اسم «مغز پسته ای» رو برای گیاهش انتخاب کرد و باهاش حرف می‌زد و همیشه، با مسئولیت پذیری، مراقبش بود. شما چی؟ شما تجربه کاشتن و مراقبت از یه گیاه ساده رو دارید؟ امتحان کنید.



## دلتون شاد و گرم و روشن!

سلام بچه‌ها. سلام دوستان خوب و مهربونم. سلام رفقای فر فره‌ای. حال و احوالتون خوبه؟ شاد و سالم و خندون و روبراهید؟ از ته دل از خدای مهربون، برای خودمون و همه بچه‌های دنیا سلامتی و خوشبختی و آرامش می‌خوام. بچه‌ها! دقت کردید روزهای فصل زمستون، چقدر تند و تند داره می‌گذره؟ چشم‌روی هم گذاشتیم، دی ماه به آخرین روزهایش رسید. شاید تصور ما آدم‌هاست، شاید هم به خاطر کوتاه شدن روزها و دراز شدن شب‌ها توی فصل‌های سرد سال که حس می‌کنیم پاییز و زمستون، زودتر از بهار و تابستون می‌گذرن و تموم می‌شن. به هر حال از امام‌رضای رئوف می‌خواهیم توی این روزهای سرد، دل‌های همه‌تون شاد و گرم و روشن باشه. راستی چند کتاب جالب و خوندنی چاپ شده تا ما بچه‌ها با قهرمانان کشورمون ایران آشنا بشیم، صفحه اول «زندگی سلام» امروز رو بخونین تا در باره این کتاب‌ها بدوین و از بزرگ‌ترها بخواین براتون تهیه کنن.



## شعر

## مثل ماه

می‌کند بابا کار، توی بیمارستان  
می‌کند مردم را، او در آنجا درمان

توی بیمارستان، هست بابا جراح  
من سخن می‌گویم، در اتاقم با ماه

ماه زیبا! بابا، تا سحر بیدار است  
چون که او هم امشب، مثل تو شب‌کار است!

شاعر: عفت زینلی



## رنگین کمان

## خرس پشمالوی من!

بعضی بچه‌ها، یه عروسک نرم و مهربون دارن که وقت بازی و غذا خوردن و خواب، کنارشونه. مثلاً دوست من علی، یه ببعی صورتی داره. ستاره، یه کوآلای خاکستری داره. امیرعلی یه زرافه قشنگ با خال‌های پسته‌ای داره و من، یه خرس پشمالوی قهوه‌ای دارم که وقت‌هایی که خوشحالم، ناراحتم، مریضم، تنهام یا می‌خوام بخوابم، آرومم می‌کنه. داشتن یه عروسک نرم دوست داشتنی خیلی خوبه. تو هم از این دوستان نرم مهربون داری؟ مراقبش باش.



## سالاد کلمات

## ی‌دن ب‌زی ت‌ک‌اب م‌دار و‌ج‌ه‌ج

بچه‌ها! ما اینجا یه کاسه پر از کلمات داشتیم که مرتب و درست و حسابی، کنار هم نشسته بودند. یه دفعه یکی اومد و قاشق‌چنگال برداشت و سالاد رو حسابی به هم زد و کلمات به هم ریختند. ببینید می‌تونید این حروف رو که قبلاً کلمه بودند، دوباره کنار هم بچینید و باهاشون کلمه بسازید؟ می‌تونید از بزرگ‌ترها هم کمک بگیرید.



## قصه تنها

## شعر

یکی بود، یکی نبود  
زیر گنبد کی بود  
قصه‌ای بود که هنوز کتاب نداشت  
غمه داشت و خواب نداشت  
قصه‌خو رنگ می‌خواست  
عکسای قشنگ می‌خواست  
تا یه روز پرید تو حوض نقاشی  
خودشو اونجا نوشت، کاشی به کاشی  
ماهیا قصه رو وقتی شنیدن  
زود براش عکسای رنگی کشیدن  
قصه خوشحال شد و موند تو حوض آب  
شد برای حوض و ماهیا کتاب!

شاعر: نامرکشاورز



## فضا چیه و کجاست؟

## دانستنی‌ها

دوستان خوبم! شاید شما هم بارها اسم «فضا» و سرگذشت «فضانورد» رو شنیده و تصاویر شون رو دیده باشید. حتی شاید دلتون بخواد وقتی بزرگ شدید، فضانورد بشید. اما فضا دقیقاً چیه و کجاست؟ اگه یه شب صاف، به آسمون نگاه کنیم، هزاران ستاره درخشان رو توی آسمون تاریک می‌بینیم. این همون چیزیه که بهش می‌گیم فضا؛ یعنی مناطق خالی بین ستاره‌ها و سیاره‌ها. فضا، بسیار بزرگ‌تر از تصور و تخیل ماست. تاریک و سیاهه، چون چیزی نداره که نور رو منعکس کنه. فضا، مثل زمین، جاذبه نداره و همه چیز در اون بی‌وزن و شناوره. اسرار فضا زیاده و مناطقی در فضا هست که فضانوردان نمی‌تونن بدون سفینه و لباس‌های مخصوص به اونجا برن، چون بدن آدمیزاد رو به جوش میاره یا منجمد می‌کنه! فضا، یک دنیای شگفت‌انگیزه!

